

عنوان مقاله:

مولوی و سروران بی کفایت (تصویرحاکمان وعاملان نالایق درداستان های طنزوانتقادی مثنوی)

محل انتشار:

دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخرخراسان در ادب پارسی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

فریدون شیرازی - مدرس دانشگاه آزاد و پیام نور و دبیر آموزش و پرورش شهرستان عجبشیر

خلاصه مقاله:

حضرت مولانا از برجسته ترین عارفان مصلح و از اجتماعی ترین شاعران روشن فکر و منتقد دنیاست که در حکایاتپند آموزو شیرین مثنوی در کنار طرح مباحث ناب عرفانی با شیوه های مختلف، انتقاد و اعتراض خود را از طبقات گوناگونجامعه زمان خویش ، برای اصلاح امور اجتماع نشان داده است. نگارنده در این مقاله سعی کرده است که نوع نگاه و نحوه برخورد اصلاحگرانه او با مفاسد، ریاکاری ها، ناهنجاری ها، جهل و حماقت و خودپسندی های طبقات ممتاز اجتماع؛ یعنی حاکمان بی لیاقت، قاضیان بی درایت وعاملان بی دیانت راکه عمدتا به شکل داستان های طنزآمیز در مثنوی آمدهاست، مورد بحث و بررسی قرار بدهد . ازجمله نتایج این پژوهش می توان به این مهم اشاره کردکه مولوی بااشراف بهعوامل مفاسداجتماعی وسیاسی، ریشه اکثر آن هارادرجهل وحماقت وخودکامگی حکام وعمال بی کفایت آنان جستجو میکندو فقر و فاقه فرهنگی واقتصادی رالزموجبات اساسی تداوم این پلیدی ها می شمارد.

کلمات کلیدی:

مولوی، مثنوی، اجتماع ، طنز، انتقاد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/686495>

